

# رسانه ها، دولت و آزادی بیان در افغانستان

قسمت اول – نویسنده (استاد صباح)



« سخني داريم از رسانه ها ، رسانه هاي ملي وميهني ، رسانه هاي كه به آزادي بيان ، عقیده و قلم اعتقاد دارند و پیوست به آن مروري مي كنيم به تلویزیون روشنگري و روشن اندیشي ( بهار ) . »

هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد و در کسب و دریافت و انتشار اطلاعات و افکار، به تمام وسایل ممکن بیان و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

هم اکنون در سراسر جهان ۱۳۰ روزنامه نگار برای انجام وظیفه خود و مطلع کردن ما در زندان بسر می برند. این آمار متأسفانه در طی سالهای اخیر کمتر تغییر کرده است. در جهان تعدادی نزدیک به ۳۰ دولت روزنامه نگاران مخالف را زندانی می کنند، برای رهبران و افسر گرای این کشورها زندان تنها پاسخ به انتقادات مردان و زنان مطبوعاتی ست. مادر کشوری هستیم که از يك طرف آزادي را به روي بخشي از جامعه و رسانه هاي مستقل مي بندند و از طرف ديگر ادارات امنيتي و محاکم ، دست اندرکاران رسانه ها را ظالمانه و جبارانه به زندان ها و محاکمه هاي غير عادلانه کشانده ، تنیه و به اعدام محکوم مینمایند . این عملکردها نشان می دهد کسانی در کشور ما بر مقتدراتی حاکمند که اعمالشان هیچ معنایی جز بلاهت ندارد. مطبوعات زبان مردم و چشم مسوولان است. در جامعه ما این حکومت است که بر مطبوعات نظارت دارد، در حالی که فلسفه اصلی مطبوعات این است که آن ها ناظر بر حکومت باشند.

آزادی بیان



از بنیادی ترین حقوق بشر است که به صورت طبیعی و بالقوه وجود دارد حق برخورداری از آزادی بیان ، بنیادی ترین حق وسایل ارتباط جمعی است. دیگر آزادی ها و حقوق رسانه ای مثل دسترسی به اطلاعات حق انتقاد، حق استقلال رسانه ای، حمایت از تکثیر گرای ، منع سانسور و حق انتشار آزاد، ریشه در آزادی بیان دارد و به شدت تحت تاثیر آن قرار دارد و یا از آن متأثر است.

پس جایگاه آزادی بیان آثار بسیاری بر وضع اجراء و تفسیر قوانین و مقررات رسانه ای یا به عبارتی دیگر حقوق رسانه ها دارد.

جایگاه برخورداری از آزادی بیان یک حق قلمداد می شود.

آزادی بیان یک حق طبیعی ، اساسی و بشری می باشد.

الف) آزادی بیان به مثابه یک حق طبیعی: حقوقی است که انسان به حکم طبیعت دارد و با عقل خود آنها را کشف می کند و در مقابل آن حقوق موضوعه می باشد (قوانینی است که توسط انسان وضع می گردد) در مکتب حق طبیعی آزادی و آزادی بیان برای بشر یک موهبت الهی است و بر این اساس کسی که در مقام اعمال آزادی بیان است از حق خود استفاده می کند یعنی نیازی نیست که از کسی اجازه بگیرد بر مبنای این نظر و در نظام حقوقی انگلستان قانونی در مورد مطبوعات وجود ندارد.

در برخی از کشورها نحوه اعمال آزادی بیان در قانون وضع شده مشخص شده است.

ب- آزادی بیان به مثابه یکی از حقوق اساسی

اهمیت آزادی بیان حق برخورداری از آن به اندازه ای زیاد است که در قوانین اساسی همه کشورها به آن تصریح شده است. بعضی از قوانین اساسی صرفاً به آزادی مطبوعات اشاره کرده اند و برخی به آزادی بیان و برخی نیز آزادی اطلاعات را به آن افزوده اند.

شناسایی آزادی بیان به مثابه یک حق اساسی آثار بسیار مهمی به دنبال دارد. حقوق مندرج در قانون اساسی چنان اهمیتی دارد که در راس نظام حقوقی یک کشور قرار دارد.

شناسایی آزادی بیان به منزله یک حق اساسی به این معنی است که هیچ قانون عادی نمی تواند آنرا حذف کند . قانون اساسی محدوده استثنائات را بر شمرده و قوانین عادی نمی تواند از آن استثنائات خارج گردد.

[ضرورت رسانه های تصویری در افغانستان](#)



مردم افغانستان حدود چهارده جنگ را با تمام وجود تجربه کرده اند و از خسارت ها، ویرانی ها و آوارگی های ناشی از آن، زندگی آنان به حالت عادی برنگشته است و خطر تروریزم از بین نرفته و مداخلات برخی از کشور های خارجی در امور داخلی مملکت ما تا هنوز دوام دارد، مدعیان حقوق بشر، و حلقات عقده مند و تنگ نظر داخلی با بستن اتهامات واهی بر شخصیت های ملی کشور بار دیگر می خواهند آرامش و امنیت نسبی جامعه را برهم زده و مردم آسیب پذیر و رنج دیده افغانستان را با بحران دیگر مواجه سازند.

مردم غیور و افغانستان همانطوری که در گذشته، هرگاه احساس می کردند، عزت، شرافت، کرامت انسانی و حاکمیت ملی شان به خطر افتاده است، دست به اقدامات جمعی و ملی می زدند و در مقابل دشمنان درونی و بیرونی ایستادگی می کردند . با آغاز فصل جدید سیاسی ، زمینه مساعدی برای پیدایش رسانه های آزاد، مستقل و کثرت گرا در کشور به وجود

آمد، قوانین دوره دموکراسی نافذ گردید و سهولت‌های بسیاری برای فعالیت آزاد رسانه‌ای در افغانستان ایجاد گردید. در زمینه‌ی همین فضای مثبت بود که دهها رسانه چاپی و تصویری تأسیس و با آغاز کار رسانه‌های دیداری طی سال‌های اخیر، فضای رسانه‌ای افغانستان از تب و تاب، تنوع و جذابیتی خاص برخوردار گردید. آزادی فعالیت رسانه‌ای افغانستان در فصل جدید سیاسی، بیش از همه، مرهون حمایت و تعهد جامعه بین‌المللی از یک سو و الزام دولت افغانستان بر تضمین آزادی بیان و ضرورت گردش آزاد اطلاعات در جامعه از سوی دیگر بوده است، اگر چه نظری وجود دارد که عامل مهم مساعد کننده کار رسانه‌ها، احتمالاً فقدان قدرت دولتی و ناتوانی نهادهای مربوطه حکومت در اعمال محدودیت‌هایی بیشتر علیه فعالیت رسانه‌های درکشور بوده و فلذا، این تشویش همواره وجود دارد که اگر فرهنگ دموکراسی پا به پای نهادهای دولتی رشد نکند، ممکن است قدرت‌گیری بیشتر دستگاه در پهلوی فوایدی که دارد، بر کار آزاد رسانه‌ها نیز تأثیر منفی بگذارد.

### رسانه‌ها در یک دهه کنونی



میدان عمل رسانه‌ها در افغانستان باز و فراخ و گسترده اما بی‌چالش نبوده است، بر طبق قوانین نافذ کشور مخصوصاً قانون رسانه‌های همگانی، هیچ نوع کنترل، نظارت، سانسور قبل از نشر یا بعد از نشر در کار رسانه‌ها وجود نداشته، دولت، مخصوصاً متولیان رسمی امور نشراتی، آزادی بیان و آزادی فعالیت رسانه‌ها را تضمین کرده و برای تقویه و حمایت از فعالیت آزاد روزنامه‌نگاری در کشور تعهد سپرده اند، اما چالش‌های عرصه کاری رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران، مسایل دیگری بوده که بیشتر به ذات و خصلت نظام فکری جامعه، ادامه فرهنگ انباشته خودکامگی، سنت‌ها و شرایط عمومی ناشی از دوده بحران بر می‌گشته است.

مشکلات اقتصادی، آسیب‌پذیری‌های وظیفوی و فقدان نهاد‌های قوی مدافع حقوق روزنامه‌نگاران، بعضاً عوامل دیگری بوده که مانع از گردش آزاد اطلاعات صحیح در جامعه و فعالیت دقیق و روشن‌گرانه روزنامه‌نگاران می‌شده است. رشد رسانه‌ای افغانستان در دو بعد کمی و کیفی قابل بررسی است، از نظر کمیت، رسانه‌ها در افغانستان طی سال گذشته یک مسیر رشد یابنده، کثرت‌گرا و تکاملی را طی کرده‌اند.

یک دهه پیش در افغانستان، تنها یک نشریه وجود داشت به نام شریعت و فقط یک رادیو فعالیت می‌کرد به نام صدای شریعت، اما امروز، تنوع و تکرار کمی رسانه‌ها در افغانستان در سطح منطقه بی‌نظیر است، نگاهی کوتاه به شماره و عناوین رسانه‌های چاپی، شنیداری و دیداری این تنوع و تکرار را به خوبی می‌نمایاند.

ثبت رسمی بیش از پنجاه عنوان رسانه چاپی، بیش از پنجاه و پنج رادیوی خصوصی و چهارده تلویزیون شخصی و خصوصی که حداقل هفت تلویزیون بالفعل فعال‌اند، تأسیس بیش از صد مرکز تولیدات هنری سینمایی، بیش از یک صد و پنجاه مطبوعه شخصی و خصوصی و تأسیس دهها نهاد تولید کننده مواد نشراتی از دستاوردهای مهم فضای جدید سیاسی در افغانستان است. از لحاظ توسعه سیستم ارتباطی نیز پیشرفت‌های زیادی صورت گرفته، یک دهه پیش افغانستان تنها از طریق چند دستگاه تلفون سیتلائی با دنیای بیرون ارتباط داشت اما امروز، با انکشاف شبکه مخابرات درکشور، حتی شماری از قریه‌های دور افتاده نیز امکان برقراری ارتباط با داخل و خارج کشور را بدست آورده‌اند.

### رسانه و ژورنالیزم در عصر جدید



گسترش کمی رسانه‌ها که به گسترش دامنه کار و عرصه فعالیت‌های روزنامه‌نگاری انجامیده، حداقل این حسن را داشته که امروز حتی در دورافتاده‌ترین نقاط کشور کوچک‌ترین حادثه از چشم رسانه‌ها و ژورنالیستان دور نمی‌ماند، دامنه اطلاع‌رسانی در کشور واقعاً گسترش یافته است.

طی شش سال اخیر آشنایی ژورنالیستان با پیچ و خم کار حرفه‌ای، با مهارت‌ها و شگردهای روزنامه‌نگاری بیشتر گردید، سبک نوشتاری و نوع پرداخت به مسایل خوب‌تر و بهتر شده، زبان روزنامه‌نگاری در داخل افغانستان روان‌تر و پخته‌تر شده و مسایلی مانند اخلاق ژورنالیستی و معیارهای مسلکی در کار روزنامه‌نگاری افزایش یافته است. مهم‌تر اینکه رگه‌های تند، خشونت و بدزبانی که در سال‌های آغازین روزنامه‌نگاری جدید به چشم می‌خورد، حالا تا حدودی نرم و ملایم و منطقی‌تر شد است. با این همه، ژورنالیسم تا رسیدن به جایگاه مسلکی، راه درازی در پیش دارد، ما هنوز در فضای نفسگیر بحران قلم می‌زنیم، نبض نوشته‌ها و فعالیت‌های رسانه‌ای ما هر روز با حوادث خشونت و ناامنی می‌زند، ادامه جنگ و افزایش فعالیت‌های هراس افکنانه، فضای کار رسانه‌ای افغانستان را ملتهب ساخته و مانع از تطبیق برنامه‌هایی اصلاحی و باز اندیشی روزنامه‌نگاران در کار حرفه‌ای خود شده است. مبنای علمی ضعیف ژورنالیسم موجود که ریشه در کاستی‌های نظام آموزشی و وضعیت عمومی فرهنگ در کشور دارد، مانع از خلاقیت و پویایی بیشتر روزنامه‌نگاری و مخصوصاً شکل‌گیری ژورنالیسم تحقیقی و روشنگر شده است، جامعه بین‌المللی به جای کمک به تقویت نهادهای آموزشی موثر و انجام یک کار بنیادی‌تر، طی شش سال گذشته، بیشترین هزینه‌ها را صرف فعالیت‌های نمادین، کار تونی و بی‌حاصلی مانند برگزاری ورکشاپ‌هایی بی‌شمار و پرمصرف کرده است.

#### رسانه‌ها و بحران امنیتی



افزایش ناامنی‌ها و قدرت‌گیری بیشتر گروه‌ها و حلقه‌های فشار مخالف آزادی بیان و مخالف گردش آزاد اطلاعات در جامعه، چشم‌انداز آینده را تیره ساخته است. آن چه که این بدبینی‌ها را می‌افزاید و سبب سلب اعتماد روزنامه‌نگاران نسبت به آینده می‌شود، علاوه بر اوضاع نامساعد عمومی، تلاش هماهنگ نهادهای دولتی برای محدود کردن فضای آزادی بیان از طریق ایجاد تغییرات بنیادی در قانون رسانه‌های همگانی از یکسو و خزیدن دستگاه، در پناه تفکرات معارض با ارزش‌های مدنی و فرهنگ شهروندی از سوی دیگر است، برجسته ساختن نقش دولت در عرصه رسانه‌ها و باز کردن دست نهادهای حکومتی در مدیریت رسانه‌های کشور به معنای گام‌گذاری در مسیر خلاف روند سیاسی است که شش سال پیش بر اساس فیصله نامه بن در سال ۲۰۰۱ میلادی آغاز شده است.

پس از سقوط طالبان و آمدن رسانه‌های جدید، بخصوص پس از آمدن تلویزیون‌های خصوصی از سال ۲۰۰۲ به بعد ناگهان در این زمینه انفجار عظیمی روی داد که چهره شهرها و رسانه‌های افغانستان را دگرگون کرد. مقدار آگهی‌ها برای کالاهای بی‌شماری که از خارج به افغانستان وارد می‌شود، و نیز معرفی کالاهای افغانستان از جمله فروش زمین، و آگهی تلفون‌های همراه بخشی از این تبلیغات است که در رادیوهای خصوصی و دولتی و همچنین تلویزیون‌های افغانستان به چشم می‌خورد. گرچه قیمت تبلیغات در افغانستان در مقایسه با کشورهای همجوار چندان بالا نیست، اما در پنج شش‌سال گذشته توانسته چندین ایستگاه تلویزیونی، رادیوهای محلی و چند روزنامه غیردولتی را سرپا نگهدارد.

هرناظر مستقلی پس از مشاهده اوضاع جاری در افغانستان به نکات برمی خورد که بعضاً او را نسبت به آینده این کشور خوشبین و بعضاً بدگمان می کند. آنچه بیش از همه قابل تأمل و اندیشه است اینست که، نه تنها در ریشه کن کردن سیستم و شیوه های قوماندان سالاری و حاکمیت تفنگ کار موثری صورت پذیرفته، بلکه بصورت مستقیم و غیرمستقیم در تقویه پایه های سیاسی و قدرت اقتصادی آنان موثریت روا داشته شده است. درحالیکه در اوضاع کنونی و در طی این سال ها این انتظار موجود بود که در عرصه های تأمین امنیت، بازسازی و قانونمداری، طرد فساد اداری و دولتی و سایر نابه سامانی ها کار های بزرگی انجام میشد اما این اهداف تحقق نیافته باقی مانده و خواست ملت برای ایجاد یک دولت قوی و نیرومند و پاسدار قانون و تأمین کننده امنیت و ادامه دهنده بازسازی، تأمین کار و رفاه اجتماعی در حال بدل شدن به یأس تلقی میشود.

### رسانه ها، حاکمیت کنونی و پرابلم های امنیتی



در زیر پرچم این دولت، حاکمیت قانون گسترش نیافته، طالبان قوی تر شده، ناامنی و خشونت به حد اعلائی خود رسیده، فقر عمومیت پیدا کرده، بیماری سل سالانه بیست هزار نفر را قربانی می کند و همه ساله بر تعداد مبتلایان به این بیماری هشتاد هزار نفر دیگر افزوده می شود، اعتماد مردم به رئیس جمهور و کارآیی دولت به حد صفر رسیده، فساد اداری همچنان بیداد می کند، افغانستان مانند یک مارکیت مال التجاره خارجی به بازار فروش محصولات کشورهای خارجی و عبارت دیگر به کشور صد فیصد مصرف کننده بی خاصیت تبدیل شده، مهاجرت ها از سرگرفته شده و جوانان گروه گروه از کشور فرار می کنند، کار بازسازی مخصوصاً در پروژه های زیربنایی و عام المنفعه، در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری، متوقف، و به یک ارمان فراموش شده مبدل گردیده است. مجموع این فکتورها حکم می کند که در تشکیلات دولت باید یک خانه تکانی بزرگ و اصلاحات بنیادین صورت بگیرد، اما ظاهراً و متأسفانه این دولت، دولت تریاک است و اصلاح پذیر نمی باشد. می گویند پرابلم مواد مخدر، راه حل فوری ندارد، ولی این یک دروغ محض و ادبیات تلقین شده از سوی مافیای مواد مخدر است. اگر مواد مخدر راه حل فوری ندارد پس چرا ملا عمر توانست در ظرف فقط چند ماه بیش از نود فیصد مزارع کوکنار را از بین ببرد؟ آیا قدرت آمریکا، ناتو و دولت افغانستان، کمتر از قدرت ملا عمر است؟ هرگاه یک دولت، اراده سیاسی، قاطعیت و صداقت داشته باشد به آسانی می تواند این گونه بن بست ها را بشکند و افغانستان را از طلسم افیونی مواد مخدر نجات دهد.

### نقش خارجی در بحران های امنیتی



اوضاع افغانستان با وجود گذشت یکم دهه از سقوط طالبان و حضور نیروهای خارجی، نگران کننده است و ناامنی ها همچنان ادامه دارد. نیروهای خارجی به ویژه نیروهای انگلیسی برای تأمین امنیت خود هر اقدامی که بخواهند فراتر از وظایف انجام می دهند. فقدان راه های درآمدساز باعث شده تا مردم افغانستان بیش از پیش به کشت خشکاش روی بیاورند و

همچنین نبود برنامه‌های سازنده دولت در این باره باعث شده سرریز کمک‌های مالی در عمل فایده‌ای به بازسازی و بهبود اوضاع اقتصادی نرسانده باشد.

سالها در کشور، بلندترین صداها صدای تفنگ بود، و غیر از صدای اسلحه هر صدای دیگری به خصوص صدای مظلومیت و حق خواهی اکثریت خاموش جامعه در گلوها شکسته می شد، و طنین فریادها به گوش هیچ شنونده ای نمی رسید. همین گونه در میان کشورهای جهان، افغانستان تنها سرزمینی بود که با حجم زیاد سوژه ها، دیدنی ها، زیبایی ها و صحنه های رقت بار و غم انگیز جنگ و خشونت و ویرانی، تصویری که از آن خودش باشد نداشت و تصویرگران تنها فاتحان جنگ را چهره آرائی می کردند. رادیوهای محلی فقط اعلامیه های جنگ، و اخبار ملاقات های خسته کننده مقامات را پخش می کردند.

آیا رسانه ها شریک نابسمانی های کنونی نیست؟؟؟



القاب ها طولانی، خبرها مصلحت آمیز؟! و رادیوها دستگاههای دروغ پراکنی ای بودند که صداهای شان فقط در شعاع های پنج تا ده کیلومتری قابل دریافت بود. تلویزیون چه در کابل و چه در برخی از ولایات، وضعیت بدتر از این را داشت و نه تنها، رسانه ملی، که حتی رسانه ولایتی هم نبود. تلویزیون اینه ای بود که تنها قدرتمندان و اسلحه داران و بازیگران صحنه های جنگ می توانستند چهره ها دژم و حرکات چشم و ابرو و قهرمان بازی های عجیب خود را بر صحنه آن تماشا کنند و صندوقچه ای بود جادویی و نجبای تازه بدوران رسیده افغانستان، آنرا این سو و آن سو با خود حمل می کردند.

در این آینه از تصویر چهره های تکیده مردم، و خامه های ویران و محضر آنان و اینکه چگونه برای يك لقمه نان حلال با مرگ و شمشیر دست و پنجه نرم می کنند خبری نبود. تلویزیون، گرسنه ها را نشان نمی داد، و حتی برای یکبار مصاحبه کردن، دوربین فیلمبرداران به سراغ آواره ها و بیجاشدگان جنگ نمی رفتند. و اما اکنون، دهها رادیو و تلویزیون در افغانستان، فعال و در حال نشرات است. تلویزیون های خصوصی آینه، آریا نا، طلوع، افغان، تلویزیون دولتی ...، با انواع شبکه های کیبلی و ماهواره ای ...

رسانه ها ضمن برخورداری از حقوق و آزادی هایی که دارند باید اندکی مسئولیت پذیر هم باشند و رسالت رسانه های خود را در پای منافع اقتصادی تاجران و کمپنی های پول دهنده، و یا به خاطر ارضای خواسته های آنی و زود گذر يك عده قلیل، قربانی نکنند. اینها اگر واقعاً دنبال ستاره می گردند باید در عرصه های صلح، تربیت، بازسازی، امنیت، ورزش، فرهنگ و ادب و ... تبلیغات کنند و به کشف ستاره های ناشناخته بپردازند. با برنامه های هاپ نمی توان به موسیقی اصیل افغانستان خدمت کرد، امروز از برکت همین رسانه ها، موسیقی، هنر و سینمای نوین افغانستان در زیر فشارهای سنگین موسیقی و فیلم های مبتذل و غیر مبتذل هندی در حال نزع و جان کندن است. به نظر می رسد اکثر رسانه های چاپی، صوتی و تصویری افغانستان به يك تجدید نظر ملی و مدیریت سالم و با کفایت نیاز دارد تا پیش از این در گرداب پوچیسم و بیهوده گرایی غرق نشوند.

رسانه ها مصروف چه اند؟؟؟



در پنج قاره جهان انسان سفید، سیاه، زرد، دانشمند، بی سواد، زن، مرد، اطفال، فقیر و غنی و... پای تصویر تلویزیون مینشینند، تلویزیون یعنی تصویر خانگی برای انسان امروز، اما این تصاویر چه چیز ارائه می کنند، از چه چیز صحبت می کنند، چگونه رویاها را باز می کنند، وقایع را چطور می نمایانند؟ چه رویاهایی، چه واقعی؟

اکثر به این نتیجه و باور رسیده اند که در عقب این همه تاخت و تازها، دشمنها و ناسزاگویی ها و هرج و مرج ها دستهای پنهانی وجود دارد تاملت را بجان هم انداخته و به قول معروف از آب گل الود ماهی بگیرند. اگر چنین نیست چرا کشور میزبان خلاف تمام نورم های آزادی بیان، حقوق و کرامت انسانی و شیوه های ژورنالیستی جلوا این همه رنگ و نیرنگ را نمیگیرد. اینان باید بدانند که شخصیت انسان از هرگونه تجاوز و تعرض مصون است. آزادی بیان این نیست که مسوولین دولتی و شخصیتهای ملی مورد تحقیر و توهین مغرضانه و کژ اندیشانه قرار بگیرند و کسی هم نیست که بگوید بالایی چشمت ابروست. معلوم نیست که این وضعیت تا چه وقت ادامه دارد؟

در طی چهار دهه جنگ خانمانسوز حدود دو تا سه میلیون شهید، زخمی و معلول داده ایم ولی هنوز دل این جنابان یخ نکرده است. اگر قرار باشد تعدادی را بخاطر اعمال ظالمانه ی بیش از نیم قرن قبل، تعدادی را به جرم کمونیست بودن، تعدادی را بنام جنگ سالار و تفنگدار، تعدادی دیگر را به اتهام ملا و طالب بودن و فردا تعداد دیگر را به اتهام وابستگی و قتل و خونریزی پای دادگاه و محاکم بکشانیم، پس باید چند میلیون دیگر نیز قربانی بدهیم زیرا هرکس به نوبه خود، عمل خورد و یا بزرگی را انجام داده است.

درین میان خوشبختانه شبکه های نیز وجود دارد که خالصانه و رضاکارانه بخاطر التهاب دردهای بی پایان ملت تلاش دارند تا بتوانند غم، درد، کدورت، بی وطنی، مهاجرت، مصیبت و تنهایی را از دل هم وطنانش بیرون نموده و گل لیخند را به لبهای وطندارانش بکارد. این شبکه های تصویری با رسالت وطنپرستانه و با وجیبه ملی در برنامه های نشراتی اش از هرگونه تفرقه اندازی، کژ اندیشی و نفاق افگنی دوری جسته و در راه غنای فرهنگی و هنری میهنش جد و جهد شباروزی مینمایند.

رسانه آزاد! یعنی چه؟؟؟



بادریغ و درد تعداد از رسانه ها با وابستگی های معین، با طرز تفکر خاص، با حقارت و وعقد مندی های بیمارگونه و با حمایت افراد معلوم الحال در پی تخریب، تحقیر و توهین ملت و شخصیت های ملی کمر بسته اند. این نشریه ها هر آنچی که وجدان

بیمار وخامه ناپخته شان اجازه میدهد به این آدرس و آن آدرس رکیک ترین دشنام ، فحش و ناسزا را روامیدارند و درین بازار جنگ و جفنگ از مسایل شخصی تا موضوعات سیاسی و تنظیمی و خانوادگی مطرح و در مقابل دید خوانندگان قرار میگیرد . این نشریه ها باگذشت هر روز درین مسیر غیر اخلاقی بیشتر از گذشته و تند تر از قبل به دشنام گویی و عیب چینی مصروف اند. شبکه های تصویری که به زبان های دری و پشتو توسط افغانان اداره و مدیریت میشوند خیلی اندک و ناچیز است . با این اندک بودن اگر در مسیر خدمت به میهن و هم میهنانش صادقانه و شریفانه گام بردارند باز هم جای هیچگونه تشویش و نگرانی نیست و می توانند در راه وحدت ملی و انسجام کتلویی خدمات ارزشمندی را انجام بدهند.

تعداد این شبکه ها با استفاده از آزادی های که در کشورهای غربی و بخصوص در ایالات متحده آمریکا وجود دارد چنان مصروف تخریب ، توهین ، تحقیر و سرزنش است که ازین طریق میخواهند به تاج و تخت فرعون و گنج قارونی دست پیدا کنند .

ادامه دارد.....